

معماری با نگاهی به آسمان سکونتگاه‌های روستایی - ساختاری ویژه در معماری روستایی زاگرس (منطقه کردستان)

دکتر هاشم هاشم نژاد*^۱، مهندس صلاح الدین مولانایی^۲

^۱ دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان، دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۸/۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۷/۶)

چکیده:

در این مقاله بخشی از ساختار معماری ساده اما باشکوه ایران در دامنه زاگرس (استان کردستان) با ویژگی‌های خاص خود در زمینه معماری روستایی مورد بررسی قرار گرفته است. شباهت‌ها و تفاوت‌های اساسی معماری زاگرس با سایر نواحی کشور جلوه‌ای از توان و استعداد معماران ایرانی است که هنر و دانش خود را در گستره‌ای پهناور از سرزمین ایران به منصفه ظهور رسانده‌اند. معماری ناحیه غربی ایران در محدوده زاگرس از نظر کالبدی به دو بخش تقسیم می‌شود: الف- معماری اصیل ب- معماری تأثیر پذیر. معماری اصیل به جای مانده از نخستین دوره‌های تمدن ایران بوده و معماری تأثیر پذیر در سالیان متاخر از معماری مرکزی ایران الهام گرفته و مولفه‌های این معماری را در خود پذیرفته است. در این مقاله معماری اصیل منطقه در روستاهایی به صورت نمونه موردی بررسی شده و ساختار معماری این روستاها (در بخش مسکن و بعنوان محور اصلی) پس از معرفی، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. مهم‌ترین عوامل موثر در شکل دهی به مسکن روستائی زاگرس را می‌توان به این شرح بیان نمود: شکل شناسی زمین و بافت آن، اقتصاد مبتنی بر معیشت و شرایط شغلی، عوامل اقلیمی، وضعیت اجتماعی و فرهنگی مردم.

واژه‌های کلیدی:

زاگرس، روستا، بافت، سکونتگاه، معماری کوهستانی.

* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۷۷۲۴۰۴۶۷، ۰۲۱-۷۷۲۴۰۴۶۸، ۰۲۱-۷۷۲۴۰۴۶۹، E-mail: Hashemnejad@just.ac.ir

مقدمه

این مقاله بخشی از پژوهشی است که در سال های اخیر توسط نگارندگان و برخی از اعضای گروه معماری دانشگاه کردستان و سایر اساتید ارجمند معماری ایران، آغاز شده و اکنون به مراحل پایانی خود رسیده است^۱. یافته های این پژوهش در تعیین و تشخیص هویت معماری منطقه موسوم به حاشیه زاگرس (بر پایه معماری کوهستانی) و با قدمت چند هزار ساله تاثیر بسزایی داشته و ویژگی های منحصر بفرد این معماری را آشکار می سازد. معماری این منطقه در گذر زمان و به آرامی تکامل یافته و دارای بنیان ها، مؤلفه ها و مبانی نظری مرتبط با ساختار مختص خود می باشد (تصاویر ۱ و ۲). نکته حائز اهمیت، تفاوت های بنیادی در اصول و مبانی نظری معماری کوهستانی غرب ایران با معماری درونگرایی مرکز و یا ناحیه کویری می باشد که کمتر در تحقیقات و پژوهش های معماری، بدانها پرداخته شده است. اگر ساختار معماری کشورمان طی دو قرن اخیر، بواسطه ارتباط نا درست و پیوند ناهنجار با معماری غربی، هویت اصیل خود را از دست داده و به نوعی گسست و پراکندگی دچار شد (به اعتقاد بیشتر کارشناسان)، اما معماری ناحیه کوهستانی زاگرس از گزند تهاجم تفکرات به اصطلاح وارداتی، مصون مانده و امروز بررسی های انجام شده، حاکی از اصالت و بکر بودن این معماری دارد. اهمیت معماری روستایی (بالاخص بخش مسکن) در ارتباط ساده و مستقیم میان ساختار زندگی روستاییان (در تمام ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی) با نیازهای آنان و نحوه تبدیل این نیازها به مسکن و خلق سایر فضاهای زیستی می باشد. جهت شناخت اصول و مبانی معماری این ناحیه، ابتدا سکونتگاه های روستایی آن به دلیل ویژگی های بارز کالبدی، دور بودن از محیط های تغییر شکل یافته شهری و حفظ فرهنگ خاص و اصیل خود مورد بررسی قرار گرفته و پس از دستیابی به نتایج حائز اهمیت می توان ادامه تحقیقات و پژوهش را در محیط های شهری انجام داد.

روش تحقیق: ابتدا به روش توصیفی و بر مبنای یافته های تحقیقات میدانی و پژوهش های دانشگاهی، ساختار معماری روستاهای منطقه مورد مطالعه (حاشیه زاگرس در استان کردستان) با رویکردی به فضای مسکونی معرفی شده و سپس به صورت نمونه های موردی، تحلیل و بررسی در خصوص مبانی نظری و اجزا تشکیل دهنده مسکن روستاهای این ناحیه صورت می گیرد.

نگرش اولیه به ساختار معماری ارزشمند ایرانی با تمام مولفه های هویت بخش آن، متضمن تعاریف و واژگان مرتبط به بخشی از این معماری در ناحیه مرکزی است. با نگاهی به گذشته می توان دریافت: تمدن عظیم و باشکوه ایران (در روزگار خویش) با آمیخته شدن با تعالیم آسمانی اسلام و ایجاد تمدن درخشان اسلامی- ایرانی در آثار متعدد معماری (بویژه معماری دوره اسلامی) جلوه گر شده است. هنگام معرفی آثار شناسه ای (معماری) این تمدن، نام هایی نظیر تخت جمشید، کاخ تیسفون، معبد آناهیتا، نقش جهان، مسجد شیخ لطف اله و بسیاری عناوین دیگر در پهنه ای از سرزمین پهناور ایران نمایان می شود. اما ذکر این نکته ضروری است که بر پایه برخی مطالعات تاریخی، خاستگاه اولیه این تمدن در منطقه غرب و شمال غرب ایران بوده و آثار و نشانه های به جای مانده از دوران معماری پیش از اسلام با سابقه ای نزدیک به ده هزار سال، پیشینه ای کهن را در این سرزمین به تصویر می کشد. (پیرنیا، ۱۳۶۹، ۱۰). پیشینه ای که در وادی ایام به فراموشی سپرده شده و جایگاهی مناسب در ساختار شناسی معماری ایران نیافته است. معماری ناحیه غرب ایران در پژوهش ها و تحقیقات سالیان متمادی، مهجور مانده و به نسبت منطقه مرکزی کمتر مورد توجه واقع شده است.



تصویر ۱- خانه هایی بر فراز کوهستان- روستای پالنگان کردستان. (ماخذ: نگارندگان)



تصویر ۲- روستای پالنگان کردستان. (ماخذ: نگارندگان)

۱- پیشینه و محدوده پژوهش

محدوده موردنظر این پژوهش، ناحیه غرب ایران در کنار سلسله جبال زاگرس و در گستره ای از استان کردستان و کرمانشاه می باشد. بر اساس آخرین اطلاعات و پژوهش موجود، نخستین سکونتگاه ها و روستاهای اولیه در ایران به هزاره هشتم قبل از میلاد مربوط بوده و یکی از این سکونتگاه ها در تپه گنج دره واقع در نزدیکی شهرستان هرسین (استان کرمانشاه) است. ضمن اینکه اولین تمدن های شناخته شده از ۳۲۰۰ ق.م. تمدن عیلام آغازین بوده که از بخش غربی تا تمامی نواحی جنوب فلات ایران را در دست داشته و شهرهای متعددی در این عرصه بوجود آمده است. سپس در دوره عیلام میانی [سده های ۱۲ و ۱۳ ق.م.] و عیلام نو [۷۰۰ ق.م.] تمدن ایرانی در ناحیه زاگرس و بین النهرین گسترش یافته و با ظهور مادها در غرب و پارس ها در جنوب، شیوه های جدیدی در معماری ایران به وجود آمد. امروزه آثار معماری مادها در مناطقی نظیر تپه حسنلو در ۱۲ کیلومتری جنوب غربی دریاچه ارومیه، نوشیجان تپه در نواحی مرکزی لرستان و گودین تپه کنگاور، در دامنه کوه های زاگرس به چشم می خورد (میردانش، ۱۳۸۰، ۴).

ساختار ابتدایی معماری ارارتوها (از اقوام اولیه ایرانی ساکن در غرب کشور) متکی به تیر و ستون در فضاهایی با کاربری مذهبی همگانی (معبد) و مسکونی (سکونتگاه خصوصی)، پایه و مبنای معماری این ناحیه تا قرن های متمادی بوده است (پیرنیا، ۱۳۶۹، ۱۰). پس از آن در دوره ای طولانی همگام با معماری سایر نقاط ایران، معماری این منطقه نیز پیشرفت نموده اما به دلایل متعدد از جمله انتقال جایگاه حکومت های وقت به نواحی مرکزی نظیر قزوین و اصفهان، این بخش از کشور از کانون توجه خارج شده است. با تحولات سیاسی زمانه و از حدود ۵ الی ۴ قرن پیش (اواخر دوره صفویه) حکومت های محلی در این ناحیه تشکیل شده و در این زمان، ساختار معماری و شهرسازی به تاسی از پایتخت های وقت ایران و همچنین سیاست های حکومت مرکزی (در ایجاد بناهای عمومی، آموزشی و حکومتی) شکل گرفته است. عمده معماری این مناطق را از نظر کالبدی می توان به دو بخش تقسیم نمود:

الف - معماری اصیل ب - معماری تاثیرپذیر معماری اصیل با توجه به عنوان آن، نوعی از معماری است که هویت و اصالت آن (با توجه به تعریف پیشینه و محدوده) حفظ شده و دارای شاخص های مختص خود می باشد؛ که بیشتر در روستاهای منطقه می توان آثار آن را یافت. منظور از معماری تاثیر پذیر، ساختاری است متعلق به قرون اخیر که طبق آنچه که اشاره شد؛ از الگوهای معماری نواحی مرکزی ایران نظیر اصفهان و کاشان؛ تبعیت نموده و به نوعی تأثیر قابل توجهی از این الگوها در آنها به چشم می خورد. این معماری در بناهای حکومتی، عمومی و منازل مسکونی متعلق به خواص و بزرگان منطقه مشاهده می شود (زارعی، ۱۳۸۱، ۱۲). معماری و بافت روستاهای ناحیه زاگرس

(نمونه های موردی - روستاهای استان کردستان و کرمانشاه) با ساختاری منحصر بفرد جز معماری اصیل محسوب شده و در ادامه مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- شناخت موضوع: "در جوامع سنتی و به طریق اولی در جوامع روستایی، الگو ضامن تداوم معماری سنتی و بومی است. همین الگو حاصل همکاری افراد در طی نسل های متمادی است. همکاری موجود در بین آنها، نیازهای مشترک و معین معنوی و مادی آنها و بسیاری مسائل دیگر سبب به وجود آمدن خانه های شخصی، بناهای عمومی و مکان های اجتماع افراد روستا با الگوی معین می شود" (زرگر، ۱۳۸۴، ۱۷). شناخت الگوها و مهم تر از آن، نحوه بوجود آمدن و تداوم الگوها طی سالیان متمادی، اصول و شاخص های معماری سنتی را تبیین می نماید. شاخص هایی که با شناخت صحیح آنها و توجه به نیازهای روز جامعه در کنار استفاده از فناوری پیشرفته سازه ای، می توان الگوهای جدید معماری ایرانی را با تاکید بر هویت دینی و ملی آن تعریف نمود و به بحران کم رنگ شدن هویت معماری معاصر (به زعم بسیاری از کارشناسان صاحب نام معماری) خاتمه داد. در این راستا، سوال این پژوهش، چگونگی ساختار الگوهای معماری مناطق روستایی غرب کشور در محدوده زاگرس می باشد.

۳- بستر مجموعه: روستاهای ناحیه کوهستانی

معماری در گستره ای از ناحیه غرب کشور بنابر دلایلی، از رشد کاملی در زمینه های مختلف کالبدی، عملکردی و سازه ای، برخوردار نبوده است (البته در مقایسه با سایر نواحی کشور، بالاخص بخش مرکزی ایران و همچنین در مقیاس گسترده). اهم این دلایل عبارتند از:

- ۱- ۳: عدم وجود حکومت های قدرتمند و مرکزی که از توان دولتی و اقتصادی بالایی بهره مند باشند.
- ۲- ۲: اقتصاد بسیار ضعیف که معماری مسکونی کاملی را فقط در حیطه اشرف، حکام و خوانین منطقه بسط و گسترش داده است.
- ۲- ۳: محدودیت های جغرافیایی نظیر آب و هوای بسیار سرد و کوهستانی بودن منطقه و عدم وجود مصالح مرغوب و متنوع که در برابر شرایط اقلیمی خاص آن مورد استفاده قرار گیرند.
- ۴- ۲: عدم انتقال فنون و هنر معماری سایر مناطق ایران نظیر اصفهان، یزد، کرمان و... باید توجه داشت که منظور، استفاده از دانش معماری این مناطق است نه تقلید مستقیم از نشانه های کالبدی آن. چنانکه اشاره شد این تقلید باعث بوجود آمدن معماری تاثیر پذیر در این مناطق شده است.
- ۵- ۳: عدم استقبال از حرفه معماری در میان مردم این ناحیه



تصویر ۳ - نحوه استقرار بافت مسکونی در روستای پالنگان باغات و بخش مسکونی در طرفین کوهستان واقع شده اند. مأخذ: (مولانایی، ۱۳۸۴، ۱۹۶)

استقرارخانه ها در این روستاها از دامنه کوه آغاز شده و تا نزدیکی های قله مرتفع آن ادامه یافته است. با نگاهی گذرا می توان دید که خط زمین و آسمان بر فراز این خانه ها به هم نزدیک شده و گویی این خانه ها در دل آسمان جای گرفته و نگاه بینندگان را به آسمان معطوف می نمایند (تصویر ۵).

۵- ساختار وضع موجود مسکن روستایی منطقه

بر اساس نتایج مطالعات در این زمینه، مهم ترین عوامل موثر در تپ بندی و شکل دهی به مسکن روستائی را می توان به شرح ذیل در چهار مورد خلاصه نمود: شکل شناسی زمین، اقتصاد مبتنی بر معیشت، عوامل اقلیمی و موقعیت اجتماعی و فرهنگی مردم.^۲



تصویر ۵ - منظر ورودی روستای پالنگان کردستان، استقرار بافت مسکونی از دامنه تا نزدیکی قله کوه. مأخذ: (مولانایی، ۱۳۸۵، ۲۴)

۱-۵- شکل شناسی زمین

نقش شکل شناسی زمین (Morphology) در پیدایش و تمایز گونه های متفاوت معماری در منطقه زاگرس عامل قابل توجهی است. وضعیت خاص جغرافیایی این منطقه و تنوع و تغییر این جغرافیا در محدوده ای وسیع، موجب پیدایش شیوه های متفاوت

دلایل فوق و موارد متعدد دیگر باعث شد تا معماری کردستان از نظر اهمیت و اعتبار هیچ گاه در سطح درجه یک کشور مطرح نباشد. بسیاری از آثار مهم منطقه توسط معماران اصفهانی که از سوی برخی از خوانین و ثروتمندان محلی، به خدمت گرفته می شدند؛ بوجود آمده است (یوسف زمانی، ۱۳۸۲، ۵۶). البته باید اذعان داشت با پژوهش هایی که اخیراً از سوی سازمان ها و ارگان های مختلف انجام شده، وجوه پنهانی در هویت معماری این منطقه آشکار شده است. هویتی که در پس چهره ظاهراً ساده این معماری، بسیار پیچیده و عجین شده با سال ها تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم است. اما ادامه این پژوهش ها نیازمند اعتبارات و امکانات بسیار وسیع و گسترده و صرف سال ها زمان است. این مقاله گامی است در راستای تحقق هدف فوق و در جهت تبیین وجوه بارز معماری منطقه.

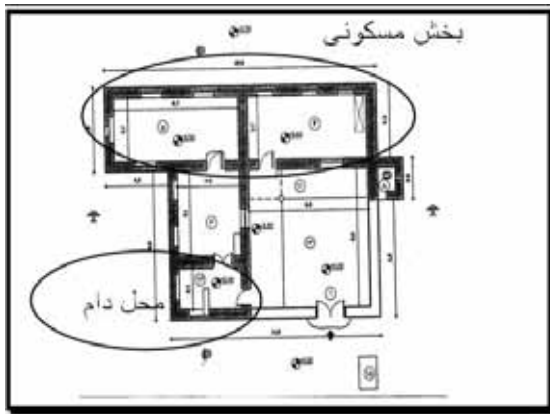
۶- نحوه استقرار و بافت: روستاهای این ناحیه بطور عمده در ۳ رده به لحاظ توپوگرافی قرار می گیرند: ۱- رده کوهستانی با شیب تند ۲- رده کوهپایه ای با شیب متوسط ۳- رده دشتی با شیب ملایم. بر اساس این ۳ رده، ساختار بافت روستا متفاوت بوده و هر یک دارای ویژگی های مختص به خود می باشد. در رده های کوهستانی و کوهپایه ای اکثر روستاها در طرفین دره ای کم عرض با شیب متفاوت واقع شده اند. جهت عمده ساختمان ها رو به سمت جنوب و جنوب شرقی بوده تا بیشترین بهره ممکن از تابش آفتاب میسر باشد. در بسیاری از موارد در یک سمت دره، خانه های مسکونی و در سمت دیگر، زمین های محدودی که به باغداری یا کشاورزی اختصاص یافته؛ مستقر می باشند (مولانایی، ۱۳۸۴، ۱۹۶) (تصاویر ۳ و ۴)، نمودار و منظر از نحوه استقرار بافت و نورگیری.



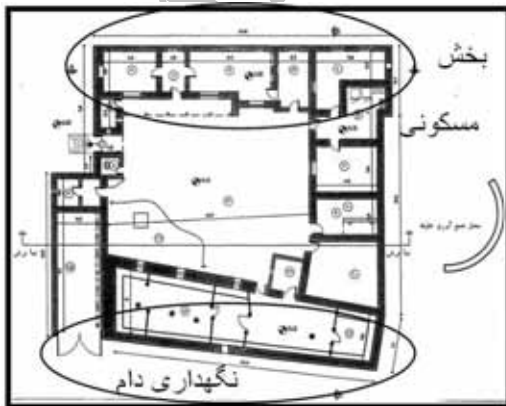
تصویر ۴ - نمودار نحوه استقرار بافت مسکونی و نورگیری در روستاهای کوهستانی. مأخذ: (مولانایی، ۱۳۸۴، ۱۹۶)

۱-۱-۵: ویژگی‌های بافت مسکونی آزاد

بافت آزاد معمولاً در روستاهایی بوجود آمده است که از شیب ملایمی برخوردار باشند (روستاهای رده ۳). در این راستا هر جا که زمین قابل تصرف بوده، روستاهای غیر متراکم با حداکثر وسعت به وجود آمده‌اند. متوسط مساحت واحدهای مسکونی این روستاها حدود ۲۰۰-۳۰۰ مترمربع می باشد که در آن تراکم فضایی- عملکردی پلان در طبقه همکف است. تقریباً غیر از فضای تشریفاتی و پذیرایی سنتی موسوم به دیواخان (DIWAXAN) اتاق پذیرایی و مهمان) سایر فضاهای موجود در طبقه همکف مستقر می شوند. خانه دارای ورودی‌های متعدد از جمله ورودی انسان، دام، ورودی خدماتی و انبارها می باشد. الگوی مسکن به نحوی است که دسترسی وسیله نقلیه کشاورزی را به موقعیت فضای خدماتی امکان پذیر می سازد. زیرا نگهداری علوفه و خوراک دام برای مصرف در فصل پاییز و زمستان برای روستاییانی که دارای معیشت حرفه‌ای دامداری هستند؛ حیاتی می باشد (طرح‌های ۱ و ۲).



طرح ۱- پلان یک واحد مسکونی روستایی در منطقه دشتی کردستان منطقه قروه- ساختار L شکل- طراحی حیاط کوچک و استقرار بخشهای مسکونی و دام پیرامون حیاط- محل نگهداری دام با توجه به تعداد کم دام و نوع معیشت غالب این خانواده در انتهای ضلع جنوب غربی حیاط می باشد. مأخذ: (بنیاد مسکن استان کردستان، ۱۳۸۵، ۸)



طرح ۲- پلان یک واحد مسکونی روستایی در منطقه دشتی کردستان منطقه بیجار- ساختار U شکل- استقرار بخش مسکونی و بخش دامی در طرفین حیاط مرکزی مشاهده می شود. محل نگهداری دام در ضلع جنوبی حیاط می باشد. مأخذ: (بنیاد مسکن استان کردستان، ۱۳۸۵، ۶)

معماری مسکن شده است. شیب زمین از صاف و ملایم تا ۵۰ درجه باعث بوجود آمدن چند گونه کاملاً متفاوت معماری شده که در بخش ۴ بدانها اشاره شد. به طوری که در شرق و جنوب منطقه، بیشتر روستاها حالت دشتی دارند اما در مسیر غرب، به پیروی از افزایش شیب زمین بتدریج معماری پلکانی رواج پیدا کرده است. غلبه چنین شکل کالبدی در معماری سکونتگاه‌های روستایی عملاً موجب شده است که خانه‌ها از مساحت بسیار کمتری نسبت به خانه‌های دشتی برخوردار باشند. در منطقه کوهستانی، چنین مساحت کمی از طریق افزایش طبقات (۲ و ۳ طبقه) جبران شده در حالی که در معماری غالباً فقط عنصر فضایی اتاق پذیرایی در طبقه دوم استقرار و سایر فضاها در تراز پایین تر (طبقه همکف) تأمین یافته‌اند (تصویر ۵).

وضعیت شیب زمین چگونگی تعریف واحدهای همسایگی را نیز تغییر می دهد. مسیر حرکت عابر پیاده و خودرو نیز تحت نظام خاص و محدودیت‌های توپوگرافی هستند (تصاویر ۶ و ۷). حتی تقسیم بندی و تمایز حوزه‌های خدماتی دام و انسان نیز در سه گونه معماری دشتی، کوهپایه‌ای و کوهستانی متأثر از شیب زمین و عوارض آن می باشد (علیزاده، ۱۳۸۵، ۶۲).



تصویر ۶- روستای پالنگان کردستان- منطقه کوهستانی و تاثیر عامل شیب در شکل‌گیری ساختار بافت روستا. مأخذ: (علیزاده، ۱۳۸۵، ۶۲)



تصویر ۷- روستای پالنگان کردستان- منطقه کوهستانی و افزایش طبقات بر اثر ازدیاد شیب زمین. مأخذ: (مولانایی، ۱۳۸۵، ۲۵)

عامل توپوگرافی همچنین در کلیت نحوه استقرار بافت مسکونی روستاها تأثیرگذار بوده است. این عامل بافت روستاها را به دو بخش تقسیم نموده است: ۱- بافت آزاد ۲- بافت متراکم.

تعداد طبقات، مصالح و میلمان فضاهای مسکونی بوده و در این زمینه، شغل ساکنین یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در چگونگی چیدمان فضایی واحدهای مسکونی روستائی می باشد. گونه‌شناسی مسکن روستایی (TYPOLOGY) معیشت مبتنی بر کشاورزی با گونه‌شناسی مسکن روستائی معیشت حاصل از باغداری بسیار متفاوت است. این ویژگی‌ها را می‌توان هم در تفاوت فضاهای مسکونی؛ مساحت و هم در تفاوت حوزه بندی فضاها و سلسله مراتب دسترسی به آنها مشاهده کرد. بر این اساس گونه‌ها و شکل‌های متمایز معماری، دسته بندی می‌شوند (طرح‌های شماره ۳ و ۴).

۲-۱-۵: ویژگی‌های بافت مسکونی متراکم

این نوع بافت اغلب در روستاهای کوهپایه‌ای و کوهستانی (رده‌های ۱ و ۲) قابل مشاهده است. شیب زمین در این بافت‌ها حدود ۳۰٪ الی ۵۰٪ می باشد. مساحت واحدهای مسکونی معمولاً ۶۰-۱۲۰ مترمربع بوده و نظام استقرار فضاهای مورد نیاز روستاییان به صورت طبقاتی است. بدین ترتیب که در طبقه همکف فضاهای دام، خدمات، انبارها و سرویس بهداشتی قرار گرفته و در طبقه اول و دوم فضاهای سکونت انسان مسقر می‌گردد (طرح شماره ۳ و تصاویر شماره ۸ و ۹).



تصویر ۸ - بافت پلکانی و طبقاتی روستای پالنگان کردستان - بافت مسکونی متراکم.

مأخذ: (مولانایی، ۱۳۸۵، ۲۵)



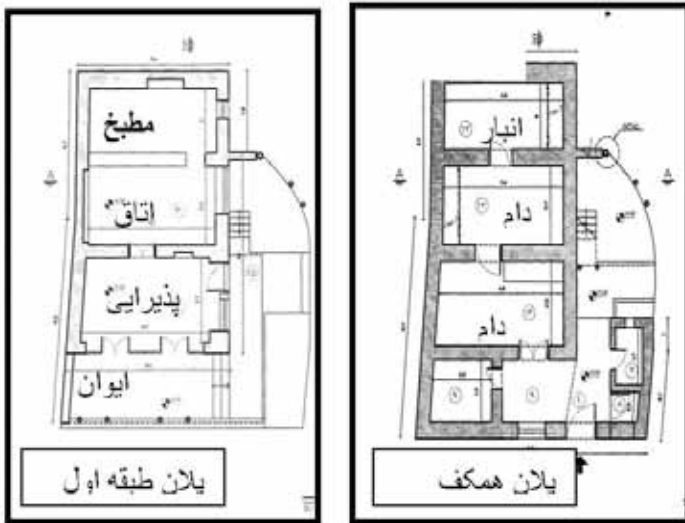
تصویر ۹ - نحوه استقرار یک واحد مسکونی در انتهای کوهستان - روستای پالنگان کردستان - بافت مسکونی متراکم.

(مأخذ: نگارندگان)

اغلب واحدهای مسکونی در بافت متراکم با ۲ یا ۳ طرف بسته به پلاک مجاور یا عوارض نامناسب و غیرقابل دسترسی طبیعی ختم می‌گردند. سقف طبقه زیرین به عنوان تراس و حیاط طبقه بالا مورد استفاده قرار می‌گیرد. عرض معابر و تعداد آنها در این روستاها بر خلاف گونه روستاهای دشتی بسیار کم است. بخش عمده‌ای از واحدها معمولاً امکان دسترسی به خودرو را ندارند. کوچه‌های پلکان دار، بالکن‌های رو به جنوب و مناظر زیبایی طبیعت و معماری پلکانی از عوامل هویت بخش این روستاها هستند.

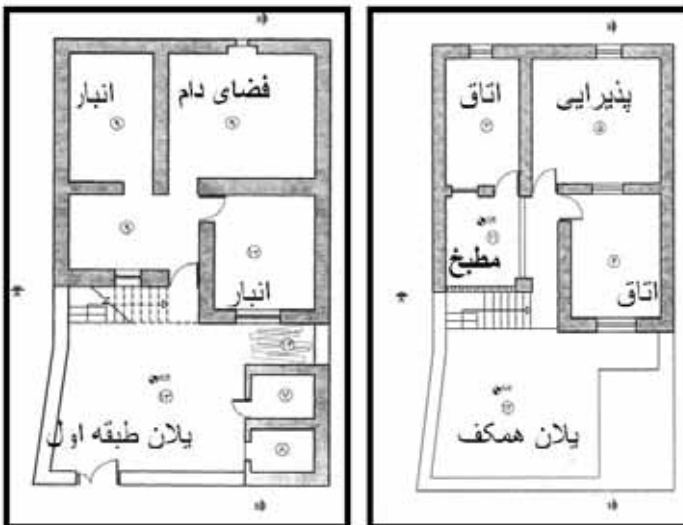
۲-۵: اقتصاد مبتنی بر معیشت

ساختار اقتصادی مردم روستا دارای ارتباط مستقیم با مساحت،



طرح شماره ۳ - پلان طبقات همکف و اول - یک واحد مسکونی روستایی در منطقه کوهپایه‌ای کردستان، منطقه کامیاران - بافت متراکم - در طبقه اول وسعت فضای مسکونی کم شده و از عنصر ایوان در مقابل فضای نشیمن و پذیرایی استفاده شده است.

مأخذ: (بنیاد مسکن استان کردستان، ۱۳۸۵، ۱۱)



طرح شماره ۴ - پلان طبقات همکف و اول - یک واحد مسکونی روستایی در منطقه کوهستانی کردستان، منطقه کامیاران - بافت متراکم - فضاهای خدماتی و محل نگهداری دام و علوفه در طبقه همکف و فضاهای مسکونی در طبقه اول استقرار یافته‌اند.

مأخذ: (بنیاد مسکن استان کردستان، ۱۳۸۵، ۱۲)

۱-۲-۵: مسکن موقت بر مبنای نوع معیشت و شغل:

تنوع معیشتی و شغلی در زندگی روستاییان این ناحیه موجب ظهور گونه خاصی از مسکن موقت فصلی به نام "هه وار" شده است. این شیوه زیستی بر مبنای مهاجرت، بیشتر با معیشت دامداری مناطق غربی استان کردستان مرتبط می باشد. این نوع مهاجرت فصلی معمولاً در فصل گرم تابستان اتفاق می افتد و موجب تخلیه موقت روستاها می شود. از نتایج بارز آن عدم توجه به محل زیست نسبت به مناطق دشتی یا ساکنین باغدار و یکجانشین همان روستاهاست. از آنجا که سکونت در هوار کوتاه مدت می باشد و به عنوان مسکن اصلی خانوار به شمار نمی آید؛ لذا نمی تواند به عنوان معیار تعیین کننده الگوی مسکن روستایی محسوب گردد. در چارچوب بحث معیشت لازم است به الگوی تعدادی از مسکن روستاهای واقع در حوزه نفوذ شهرها اشاره کرد که متأثر از نفوذ اقتصادی-اجتماعی جاذبه های شهری می باشند. در این زمینه تعدادی از روستاها نقش خوابگاهی را دارا هستند و عملاً نوع الگوی مسکن شهری در ساخت و سازهای جدید آنها نمود کالبدی پیدا کرده است. علاوه بر این، متأثر از روابط نزدیک شهر و روستا، شکل گیری مشاغل خدماتی و گرایش بخشی از جمعیت روستایی به این مشاغل و فصلی شدن کار کشاورزی، تغییرات عینی و ذهنی را در نوع نگرش به مسکن روستایی در بین ساکنین روستاها ایجاد کرده؛ به گونه ای که تمایل به ساخت مسکن بر اساس معیارهای مسکن شهری در این نوع روستاها در حال افزایش می باشد (علیزاده، ۱۳۸۶، ۷۴). انواع معیشت ها و پراکندگی آنها به نسبت مناطق در جدول شماره (۱) معرفی شده است.

در ضمن، وضعیت اقتصادی و مشکلات مالی تاثیر آشکاری بر تنزل کیفیت ساخت مسکن روستاییان دارد. کیفیت ساخت مسکن روستایی و پایداری آن در برابر زلزله از مباحث مهم ساخت و سازهای روستایی می باشد. در ارتباط با الگوهای مسکن روستایی و با توجه به تحقیقات انجام شده در خصوص روستاهایی که بر اثر زلزله ویران شده اند؛ لزوم استفاده از مصالحی که دارای حجم کم، وزن سبک و تکنولوژی اجرایی ساده ای باشند و همچنین ارائه الگوی ساخت بر اساس امکانات و توانایی های محلی و بومی، ضروری به نظر می رسد (گلابچی، ۱۳۸۶، ۴۱). صرف نظر از روستاهایی که نزدیک به شهرها می باشند؛ ساکنان سایر روستاهای این منطقه از مصالح بومی و منطقه ای در ساخت و ساز مسکن خود استفاده می کنند.

۳-۵: عوامل اقلیمی:

یکی از مهم ترین عوامل مؤثر در شکل گیری ساختار و بافت روستا و خانه های مسکونی، شرایط اقلیمی و آب و هوایی است. از آنجا که مسکن فضای خصوصی زندگی انسان هاست؛ لذا توجه به شرایط آسایش و آرامش در این فضاها و همچنین اقتصادی بودن راه های دستیابی به شرایط فوق بسیار حائز اهمیت می باشد. دو عامل فوق (آسایش و اقتصادی بودن آسایش) در معماری بومی منطقه که عمدتاً دارای شرایط آب و هوایی سرد می باشد؛ با ارائه راه حل های بومی مد نظر قرار گرفته است. خانه های مسکونی سازگار با شرایط اقلیمی و آسایش به عنوان الگوی مناسب معماری در طول زمان توسط معماران سنتی تکرار شده اند. همین تسلسل زمانی الگوهای پذیرفته شده موجب گردیده است که معماری بومی دارای شکل، بافت، حجم و مصالح منطقی سازگار با اقلیم و شرایط جوی باشد. بر همین اساس با مطالعه کلی روستاهای منطقه زاگرس می توان ضوابط کلی ذیل را در شکل دهی به حجم معماری و نهایتاً گونه های آن دخیل دانست.

۱-۳-۵- اصول کلی معماری بومی واحدهای مسکونی بر اساس شرایط اقلیمی:

۱. استقرار فضاهای اصلی مسکن در جبهه جنوب و جنوب شرقی و دوری نمودن از استقرار بافت های مسکونی در شیب های شمالی که از تابش مستقیم نور آفتاب بی بهره است (تصویر ۱۰).
۲. حداقل مساحت بازشوهایی که با فضاهای کنترل نشده در ارتباط هستند.
۳. استفاده از بافت های فشرده و متراکم در چیدمان فضایی عناصر معماری.
۴. توجه به سلسله مراتب فضاها بر اساس نظام گرمایش و سرمایش مورد نیاز آنها.
۵. ساماندهی و انتظام فضاهای دسترسی دهنده مانند دالان ها- هشتی ها و... بمنظور کنترل حجم تبادل هوایی.
۶. تغییر ابعاد بازشوها بر حسب نوع آب و هوا، به طوری که در مناطق کوهپایه ای معتدل ابعاد بازشوها از شکل عمودی و مستطیل باریک به مربع تغییر شکل می یابد.
۷. احداث ساختمان در خلاف جهت باد غالب.
۸. استفاده از مصالح با ظرفیت حرارتی بالا.

جدول ۱- انواع معیشت ها در روستاهای استان کردستان.

ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
معیشت	کشاورز	دامدار	دامدار	کارگر	شغل آزاد	شغل دولتی	کشاورز - دامدار	کشاورز - دامدار	دامدار - دامدار	سایر مشاغل
بسیارترین	حاصلی دشتی و	حاصلی کوهستانی	روستاهای برهنگ	روستاهای برهنگ	روستاهای برهنگ	روستاهای برهنگ	حاصلی دشتی و	حاصلی دشتی و	حاصلی کوهپایه	روستاهای
بسیارترین	کوهپایه ای	کوهپایه ای	شهر	شهر	شهر	شهر	کوهپایه ای	کوهپایه ای	کوهپایه ای و	نزدیک به شهر
پراکندگی										
در مناطق										

منآخذ: (علیزاده، ۱۳۸۶، ۷۴)

است دسترسی به واحدهای کوچک یک ساختمان مسکونی گسترده، مستقل باشد و در نهایت خانواده‌ها مجدداً از طریق یک دالان یا حیاط مشترک به همدیگر دسترسی داشته باشند. روابط اجتماعی، فرهنگ عام مردم و آداب و رسوم و سنن هریک از روستاها تاثیر مهمی بر شکل‌گیری ساختمان دارد. زندگی جمعی در یک خانواده و کاربری فضاهای متعلق به جزییات درون خانواده، تفکیک زندگی درون خانواده در طبقات و همچنین نحوه ایجاد واحدهای همسایگی و همجواری از تاثیرات مشخص عامل روابط اجتماعی محسوب می‌شود. هریک از بناهای این مناطق با ساختمان‌های همجوار و بالا و پایین خود در ارتباط تنگاتنگ هستند. این مورد که بام یک خانه، حیاط خانه بالاتر خود می‌باشد؛ ایجاد یک زندگی اجتماعی توأم با ارتباطات صحیح را نشان می‌دهد. مصادیق این مورد را می‌توان در تصاویر ۱۲ و ۱۳ و بر اساس نظام زندگی اجتماعی در روستا با توجه به بافت خاص و درهم تنیدگی معماری خانه‌ها مشاهده نمود.



تصویر ۱۲ - بافت متراکم روستا و استفاده از سقف خانه پائینتر به عنوان حیاط خانه بالاتر - روستای پالنگان کردستان. (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۳ - درهم تنیدگی فضای مسکونی با توجه به ساختار توپوگرافی و بافت روستا - روستای دالاب کردستان. (مأخذ: نگارندگان)

در طی قرون متمادی تاکنون مردم مناطق یاد شده در یک نظام معماری و شهرسازی طبقاتی با تفاهم کامل، زندگی می‌کنند. این امر نشان‌دهنده غنای فرهنگ مردم روستا می‌باشد.

۹. وجود عنصر فضایی نیمه باز (شبیه ایوان) در جلو فضای اصلی نشیمن.

۱۰. احداث بخش مسکونی بروی بخش دامی و انبار علوفه.

۱۱. طراحی اطاق‌ها بصورت تودرتو با کاهش فضای دسترسی به بیرون.

۱۲. استفاده از دیوارهای ضخیم و عریض.

۱۳. استفاده از مصالح جدید بویژه بلوک‌های سیمانی بدلیل سهولت دسترسی و بازده زمانی سریع (تصویر ۱۱).

۱۴. وجود عنصر فضایی - عملکردی تحت عنوان زاغه در ترازوی پایین‌تر از سایر فضاها جهت نگهداری دام‌ها بویژه در روستاهایی نزدیک به مناطق سردتر.



تصویر ۱۰ - استقرار بخش مسکونی در سمت آفتابگیر کوهستان علی‌رغم مزایای عملکردی و اقلیمی باعث تغییر هویت در نما و سیمای روستا می‌شود. جهت تطبیق با موارد اقلیمی - روستای دالاب کردستان. (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۱ - استفاده از مصالح جدید نظیر بلوک‌های سیمانی، (مأخذ: نگارندگان)

۴-۵: وضعیت اجتماعی و فرهنگی ساکنین

وضعیت اجتماعی ساکنین واحدهای مسکونی به عنوان عاملی تاثیرگذار بر شیوه معماری مطرح بوده و خود از چند عامل گوناگون تاثیر پذیرفته است. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از فرهنگ، ویژگی‌های قومی و مذهبی و آداب و سنن رایج و قدیمی. عامل فرهنگ بر درونگرایی و برونگرایی، سلسله مراتب حرکتی، دسترسی و همچنین نما و حجم ساختمان تاثیر می‌گذارد. ویژگی‌های جمعیتی را می‌توان در دو عامل ابعاد و تعداد خانوار مورد بررسی قرار داد. آمار و اطلاعات نشانگر آن است که در روستاها به لحاظ وضعیت معیشتی و توجه و تاکید به روابط نسبی منتج از ساختار ایلی جوامع روستایی، تمایل به زندگی در کنار همدیگر به صورت چند خانواری با تعدد نفرات از شیوه‌های غالب زیست می‌باشد. این ویژگی موجب تعریف کالبدی سکونتگاه‌های چند خانواری در قالب یک واحد ساختمانی می‌گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اکثر خانواده‌ها، گروه‌های نسبی تشکیل می‌دهند و همین گروه‌ها نیز اغلب دارای مسکن مشترک هستند. البته ممکن

۶- برخی دیگر از ویژگی های کلی معماری روستایی در این منطقه که به معماری ارگانیک نزدیک می باشد^۲:



تصویر ۱۴- بالکن ها (هوان ها) عنصر مهمی در فضای خانه های مسکونی منطقه بشمار می آیند. - روستای نگل کردستان. (مآخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۵- تلفیق خانه ها و جداره کوه در روستای پالنگان کردستان با توجه به نوع مصالح. (مآخذ: نگارندگان)

۵- ۶: استمرار نمایش مصالح از داخل به خارج بنا: ساختار خانه ها با توجه به نوع مصالح که برگرفته از بستر همان منطقه هستند؛ موجب استمرار نمایش از خارج به داخل بنا می شوند. به گونه ای که ساختار محیط طبیعی در فضای داخل خانه نیز مشاهده و احساس می گردد (قبادیان، ۱۳۸۲، ۶۴) (تصویر ۱۵ - خانه های روستایی در تلفیق با جداره کوه که مصالح عمده آن از بستر کوه استخراج شده و در ساختمان مورد استفاده قرار گرفته است).

۱ - ۶: حداقل دخالت در محیط طبیعی: ساخت و ساز در معماری روستایی با کمترین لطمه به طبیعت شکل گرفته و بیشتر ساختمان ها منطبق با شیب و توپوگرافی ساخته شده اند. این ویژگی بیشتر در روستاهای دورتر نسبت به شهرها و روستاهای رده ۱ (رجوع به بخش ۴ مقاله) مشاهده می شود.

۲ - ۶: تلفیق ساختمان با محیط طبیعی بگونه ای که مکمل یکدیگر باشند: نگاهی به سایت پلان اکثر مناطق کوهستانی و حتی شهرهای بزرگ در این ناحیه نظیر نظیر سنندج (مرکز استان کردستان)، بوضوح تلفیق ساختمان با محیط پیرامون را نشان می دهد.

۳ - ۶: تلفیق فضای داخل و خارج: بالکن ها و ایوان هایی که با مهارت فراوان ساخته شده اند و در گویش محلی هوان (HEWAN) نامیده می شود؛ نوعی فضای داخل و خارج را بیکدیگر مرتبط ساخته اند. از سوی دیگر بخش های پشتی خانه ها کاملاً درون کوه قرار گرفته و در بسیاری از فضاها، آخرین جداره، همان بستر طبیعی صخره و کوه می باشد (تصویر ۱۴ - بالکن های خانه های روستای نگل کردستان).

۴ - ۶: استفاده از مصالح طبیعی: همان اصلی که مرحوم پیرنیا تحت عنوان خودبسندگی از آن یاد کرده است (پیرنیا، ۱۳۶۹، ۳۱). در معماری این مناطق قابل مشاهده می باشد. استفاده از سنگ و چوب که برگرفته از بستر طبیعی منطقه هستند این اصل را نیز در اینجا تأیید می کند.

نتیجه

این منطقه به دو بخش مجزا تقسیم می شود:

الف - معماری اصیل ب - معماری تأثیرپذیر. از این دو بخش، نوع معماری تأثیرپذیر در شهرها و نوع معماری اصیل بر پایه الگوهای سنتی خاص خود، در روستاها مشاهده می شود. روستاهای استان کردستان بطور عمده در ۳ رده به لحاظ توپوگرافی و بافت قرار می گیرند: ۱- رده کوهستانی با شیب تند ۲- رده کوهپایه ای با شیب متوسط ۳- رده دشتی با شیب ملایم. بر اساس این ۳ رده، ساختار بافت روستا متفاوت بوده و هر یک دارای ویژگی های مختص به خود می باشد بر اساس نتایج مطالعات، مهم ترین عوامل مؤثر در شکل دهی به مسکن روستایی

شناخت الگوهای معماری سنتی در بخش های مختلف کشور و مهم تر از آن، نحوه بوجود آمدن و تداوم الگوها طی سالیان متمادی، اصول و شاخص های این معماری را تبیین می نماید. شاخص هایی که با شناخت صحیح آنها و توجه به نیازهای روز جامعه در کنار استفاده از فناوری پیشرفته سازه ای و توجه به مسائل اقتصادی می توان الگوهای جدید معماری را با تاکید بر هویت آن تعریف نمود. معماری منطقه زاگرس در ناحیه کردستان با ساختاری که دارای شباهت ها و تفاوت های نسبت به معماری مناطق مرکزی و کویری ایران است؛ دارای شاخص های متنوع و منحصر بفرد بوده و بر پایه مطالعات انجام شده ساختار معماری

کوهستانی و پلکانی سوق داده است (نظیر بسیاری دیگر از مناطق کشور که دارای چنین وضعیتی به لحاظ فیزیکی و جغرافیایی هستند) اما عامل فرهنگ و نحوه وضعیت اجتماعی مردم، تفاوت های بنیادین و اساسی در این الگوها بوجود آورده و در نهایت منجر به شکل گیری این نوع از معماری شده است. تکامل ساختار زندگی اجتماعی از دیگر ویژگی هایی است که در تار و پود این معماری بر زندگی ساکنان روستاهای زاگرس مشاهده می شود.

در این ناحیه را می توان به شرح ذیل خلاصه نمود: ۱ - شکل شناسی زمین ۲ - اقتصاد مبتنی بر معیشت ۳ - عوامل اقلیمی ۴ - وضعیت اجتماعی و فرهنگی مردم. در میان عوامل ذکر شده، ساختار توپوگرافی و شکل خاص زمین که عمدتاً کوهستانی و کوهپایه ای می باشد؛ به همراه وضعیت فرهنگی و اجتماعی تاثیر بیشتری بر الگوهای معماری روستایی این مناطق دارد. شکل زمین معماری این مناطق را به سمت معماری

پی نوشت ها:

- ۱ تحقیق پیرامون الگوهای معماری منطقه غرب کشور از سال ۱۳۸۲ در گروه معماری دانشگاه کردستان آغاز شده و در راستای تبیین این الگوها در اردیبهشت سال ۱۳۸۷ کنفرانس بین المللی با نام سکونتگاه های زاگرس در دانشگاه کردستان برگزار گردید.
- ۲ عوامل مورد اشاره در شکل دهی مسکن روستایی در راستای نظریه جبر گرایان (دترمینیسم) نبوده و نظرات عامه مردم روستا در این مورد نقش دارد.
- ۳ "ه وار" دارای قرابتی شبیه به بیلاق رفتن ایل می باشد. در ایام تابستان مردم به همراه گله های دام خود به مناطق معتدل کوهستان که دارای چراگاه های مناسب دام می باشد کوچ کرده و در اواخر تابستان به روستا باز می گردند. مسکن موقت آنان در مدت هه وار بیشتر کپر و چادر یا سازه های موقت است.
- ۴ باید توجه داشت که منظور از معماری ارگانیک، طراحی از قبل تعیین شده بر مبنای این سبک خاص معماری نیست. بلکه در مناطق روستایی و روستاهای کوهستانی، ساختار طبیعی منطقه با زندگی مردم عجین شده و مسکن نیز متأثر از این عامل شکل می گیرد. هنر معماری بومی در استفاده از ویژگی های طبیعی و شکل دادن به محیط مصنوع متناسب با محدودیت ها در این مناطق جلوه گر شده است.

فهرست منابع:

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان کردستان (۱۳۸۵)، مطالعات روستاهای استان کردستان، دفتر مطالعات بیجار، ص ۶.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان کردستان (۱۳۸۵)، مطالعات روستاهای استان کردستان، دفتر مطالعات قروه، ص ۸.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان کردستان (۱۳۸۵)، مطالعات روستاهای استان کردستان، دفتر مطالعات کامیاران، صص ۱۱ و ۱۲.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۲)، سبک شناسی معماری ایرانی، نشر پژوهنده و نشر معمار، تهران.
- سازمان برنامه ریزی و مدیریت (۱۳۸۵)، مطالعات مهندسی مشاور هامون، استان کردستان، جلد هشتم، تهران.
- سازمان میراث فرهنگی استان کردستان (۱۳۸۲)، مطالعات مردم شناسی منطقه اورامان، تهران.
- زارعی، محمد ابراهیم (۱۳۸۱)، سیمای میراث فرهنگی کردستان، اداره کل آموزش و انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- زرگر، اکبر (۱۳۸۴)، درآمدی بر شناخت معماری روستایی، انتشارات مرکز چاپ دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- قبادیان، وحید (۱۳۸۲)، مبانئ و مفاهیم در معماری معاصر غرب، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
- علیزاده، هوشمند (۱۳۸۶)، طرح پژوهشی شناخت الگوهای مسکن روستایی استان کردستان، معاونت پژوهشی دانشگاه کردستان، گروه معماری دانشگاه کردستان، سنندج.
- علیزاده، هوشمند (۱۳۸۵)، طرح پژوهشی تبیین شاخصهای گردشگری روستای نگل، معاونت پژوهشی دانشگاه کردستان، گروه معماری دانشگاه کردستان، سنندج.
- گروه معماری دانشگاه کردستان (۱۳۸۶)، مجموعه مطالعات معماری منطقه غرب کشور، سنندج.
- گلاچی، محمود (۱۳۸۶)، علل عدم پایداری ساختمانهای مسکونی روستایی در برابر زلزله و ارائه الگوی ساخت بر اساس امکانات و توانایی های محلی، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۰، ص ۴۱.
- مولانایی، صلاح الدین (۱۳۸۴)، هویت در معماری ناشناخته غرب ایران، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۲۱، ص ۱۹۶.
- مولانایی، صلاح الدین (۱۳۸۵)، طرح پژوهشی بررسی ساختار معماری سنندج با تاکید بر عناصر شاخص معماری، معاونت پژوهشی دانشگاه کردستان، سنندج.
- میر دانش، سید مهدی (۱۳۸۲)، آشنایی با بناهای تاریخی، انتشارات مدرسه، چاپ سوم، تهران.
- یوسف زمانی، مهرداد (۱۳۸۲)، طرح پژوهشی معماری سنتی استان کردستان بر مبنای الگوهای معماری بومی، معاونت پژوهشی دانشگاه کردستان، سنندج.